

Investigating the performance and challenges of the Knowledge Corps in Chaharmahal and Bakhtiari province

Abstract

The evolution of modern education in Iran dates back to the constitutional era, which changed its form and content from traditional to modern with fundamental changes in the education system. In the first Pahlavi era, with the establishment of various laws, the issue of public education was addressed more seriously. However, modern education in the second Pahlavi era suffers from a lack of a coherent program in the field of public education, especially in rural and nomadic areas. In order to solve this problem, in January 1972, the plan of the Knowledge Corps was approved, according to which the educated youth, after a training course, went to educational areas instead of military service and served as the forces of the Knowledge Corps. This project affected the Iranian educational system for nearly two decades in all areas, including the rural and nomadic region of Chaharmahal and Bakhtiari province. The present study has been compiled using the documents available in the National Documents and Library Organization and local data with a descriptive-analytical approach and seeks to answer the question that the performance and challenges of the Knowledge Corps in the field of expanding public education in What was the Chaharmahal and Bakhtiari region like? Based on this, the research findings show that despite the mountainous location, the predominant nomadic and rural population and also the many problems of implementing the plan of the Knowledge Corps, this institution was able to generalize in Chaharmahal and Bakhtiari province between 1342 and 1357. Education and eradication of illiteracy play an important role.

Keywords: Sepah Danesh, Modern Education, Chaharmahal and Bakhtiari, Pahlavi II.

بررسی عملکرد و چالش‌های سپاه دانش در استان چهارمحال و بختیاریپوران مردانی کرانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

سهیلا ترابی فارسانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

فیض اله بوشاسب گوشه^۳**چکیده**

تحول آموزش نوین در ایران به عصر مشروطه بر می‌گردد که با تغییرات اساسی در نظام تعلیم و تربیت شیوه‌ها و ساختار آموزش از سنتی به مدرن تغییر شکل و محتوا داد. در عصر پهلوی اول با برقراری قوانین متعدد مسئله آموزش عمومی جدی تر به آن پرداخته شد. با این وجود آموزش نوین در دوران پهلوی دوم از فقدان برنامه منسجم در زمینه آموزش همگانی به ویژه در مناطق روستایی و عشایری رنج می‌برد. در جهت حل این مشکل در دی ۱۳۴۱ ش طرح سپاه دانش به تصویب رسید که براساس آن جوانان تحصیل کرده پس از یک دوره آموزشی، به جای خدمت سربازی به مناطق آموزشی رفته و به عنوان نیروهای سپاه دانش خدمت کنند. این طرح نزدیک به دو دهه نظام آموزشی ایران را در کلیه مناطق از جمله منطقه روستایی و عشایری استان چهارمحال و بختیاری را تحت تأثیر خود قرار داد.

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی و داده‌های محلی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی تدوین شده و در پی پاسخ به این پرسش است که عملکرد و چالش‌های سپاه دانش در زمینه گسترش آموزش عمومی در منطقه چهارمحال و بختیاری چگونه بوده است. بر این اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود موقعیت کوهستانی، جمعیت غالب عشایری و روستایی و همچنین معضلات فراوان پیاده سازی طرح سپاه دانش، این نهاد توانست در استان چهارمحال و بختیاری در حفاصل سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ش در همگانی کردن آموزش و از بین بردن بی سوادی نقش مهمی ایفا کند.

کلید واژگان: سپاه دانش، آموزش نوین، چهارمحال و بختیاری، پهلوی دوم.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، puranmadani1400@gmail.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) tfarsani@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، f.boushasb@yahoo.com

نظام آموزشی نوین از رویدادهای تأثیرگذار در تحولات فرهنگی ایران است. این نظام در دوره پهلوی دوم دچار تغییرات اساسی شد و به گسترش مدارس جدید انجامید. تشکیل سپاه دانش از جمله تحولات اساسی در نظام آموزشی در دوره پهلوی دوم بود که در اصل ششم انقلاب سفید نیز بر ایجاد و گسترش آن تأکید شد. در اصول انقلاب سفید به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی در سطح جامعه اشاره شده بود. در راستای تغییرات آموزشی در سال ۱۳۴۱ ش، طرح تشکیل سپاه دانش از جانب دکتر پرویز ناتل خانلری تهیه و یکسال بعد اجرایی شد. در استان چهارمحال و بختیاری نیز مانند سراسر کشور تشکیل سپاه دانش صورت گرفت. با توجه به بافت عشایری این استان، فعالیت سپاه دانش با موانع و چالش‌هایی روبرو شد که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

در بررسی پیشینه این پژوهش می‌توان به کتاب کریم امیرحسینی اشاره کرد. امیرحسینی در کتاب «شناخت سرزمین چهارمحال» ضمن معرفی برخی از مناطق استان چهارمحال و بختیاری به وضعیت فرهنگی و آموزشی این استان به اختصار پرداخته و در خلال این اطلاعات اشاره‌ای کوتاه نیز به فعالیت‌های سپاه دانش در منطقه چهارمحال و بختیاری داشته است. در سایر پژوهش‌ها نیز به مسئله مقاله حاضر توجهی نشده است. پژوهش حاضر به دنبال این پرسش است که سپاه دانش در مناطق روستایی و عشایری چهارمحال و بختیاری چه عملکردی داشته و در این مسیر با چه موانع و چالش‌هایی مواجه بوده است. این پژوهش عمدتاً براساس اسناد مربوط به سازمان اسناد ملی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و اسناد مرتبط با آموزش و پرورش محلی و منطقه‌ای و همچنین پژوهش‌های میدانی و مصاحبه با افراد مطلع نسبت به موضوع انجام گرفته است.

فرایند شکل‌گیری سپاه دانش

انقلاب سفید یا به تعبیر حکومت پهلوی دوم، انقلاب شاه و ملت از جمله اقدامات تأثیرگذار محمدرضا پهلوی در زمینه اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی دوران خود بود. اجرای اصول انقلاب سفید که در راستای اصلاحات ارضی پی گرفته شد، تأثیر خود را در جوانب مختلف جامعه عصر پهلوی دوم بر جای گذاشت. اصول انقلاب سفید در ابتدا با ۶ اصل در سال ۱۳۴۱ ش به فراندوم گذاشته شد (کدی، ۱۳۹۰: ۲۷۵). البته اصول آن در سال‌های بعد تا ۱۹ اصل هم رسید که بر تحول وضعیت زندگانی مردم در آن دوره تأکید داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۳۲). این انقلاب با حمایت دولت‌کندی و به صورت حکومتی و نه با مشارکت دهقانان و طبقه متوسط برگزار شد ولیکن منافع مادی و غیرمادی نیروهای عمده اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

از بین اصول ۱۹ گانه، اصل ششم (سپاه دانش)، اصل دوازدهم (انقلاب اداری و آموزشی)، اصل پانزدهم (تحصیلات رایگان) و اصل شانزدهم (تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدراس) مربوط به آموزش و

پرورش بودند. در آن زمان حدود ۹۰ درصد جمعیت ایران سواد خواندن و نوشتن نداشتند و تشکیل سپاه دانش با هدف مبارزه با بی سوادی انجام گرفت (میلانی، ۱۳۹۲: ۳۶۳). محمدرضا پهلوی از اصل ششم انقلاب سفید یعنی تشکیل سپاه دانش از پرافتخارترین اصول انقلاب سفید یاد کرده و تحقق نهایی آن را اصلی ترین رسالت تاریخی تمدن ایرانی یعنی رواج دانش و فرهنگ دانسته است (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۲۰). شاه در این برنامه تقویت آموزش روستایی سه هدف بهبود کیفیت زندگی روستایی، افزایش بهره وری و ایجاد احساس عدالت اجتماعی بیشتر را دنبال می کرد (مناشری، ۱۳۹۷: ۲۶۲-۲۶۱). قانون تشکیل سپاه دانش در ۴ آبان ماه ۱۳۴۱ تصویب شد. این نهاد آموزشی برای جبران کمبود معلم، به ساختار آموزش ایران افزوده شد مبتکر این طرح پرویز ناتل خانلری بود و آن را به عنوان اصل ششم انقلاب سفید در کنگره‌ی سراسری دهقانان نیز اعلام کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۴۳۱).

سپاهیان دانش از بین جوانان دیپلمه انتخاب می شدند. مدت خدمت آنان تا پایان دوره یازدهم سپاه دانش جمعاً ۱۸ ماه بود که چهار ماه آن به دوره تعلیماتی نظامی و فرهنگی اختصاص داشت و مدت ۱۴ ماه آن صرف خدمت در روستاهای کشور می گردید. از دوره سیزدهم به بعد مدت خدمت سپاهیان دانش از ۱۸ ماه به ۲۴ ماه، دوره تعلیماتی از ۴ ماه به ۶ ماه و خدمت در روستاها از ۱۴ ماه به ۱۸ ماه افزایش یافت (ساکما، ۹۱/۲۵۰/۱۰۲۵/۱۲/۲۹۷). آموزگاران سپاه دانش با درجه گروهبانی برای خدمت در سپاه دانش به وزارت آموزش و پرورش گمارده می شدند. سپاهیان دانش توانستند تا سال ۱۳۵۷ ش در قالب بیست و هشت دوره از پسران و هجده دوره از دختران در این سپاه خدمت کنند که تعداد آن‌ها به بیش از یک صد هزار تن رسید. هزینه مدرسه‌های سپاه دانش یک سوم مدرسه‌های هم‌ردیف خود بود (محمدی و وقایینی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

دو هدف اساسی برای سپاه دانش تعریف شده بود؛ یکی سوادآموزی به شیوه نوین و دوم ارتقای توانمندی‌های آموزشی، بهداشتی، تولیدی، اقتصادی و مدنیت روستاییان. آموزش خواندن و نوشتن، تقویت مبانی ملی و دینی یکی از وظایف مهم سپاهی دانش بود. در این راستا نیروهای سپاه دانش موظف بودند در جهت ترویج آموزش قرآن و تعلیمات دینی شیعی در بین روستائیان تلاش کنند. (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۱۹۵). همچنین از ایجاد اختلاف‌های مذهبی و تبلیغات بر ضد مسائل اعتقادی روستائیان خودداری کنند. آشنا ساختن روستائیان با جشن‌های ملی و پیشینه آنها و نیز قوانین مملکت از دیگر وظایف آنان بود (رحمانی، ۱۳۵۴: ۱۰۴-۱۰۱؛ ساکما، ۹۱/۲۵۰/۱۲/۲۹۷/۱۳). در واقع به نظر می‌رسد که تدریس بخشی از کار و نه همه آن بود. تأثیرگذاری بر روستائیان توسط نیروهای سپاهیان دانش برای خدمتگزاری به عنوان نوعی شهروند دولتی، وظیفه اساسی بود. همچنین نیروهای سپاه دانش عامل ارتباطی بین مردم جوان شهری و روستاها بودند که وسیله‌ای برای فراهم کردن شغل برای فارغ التحصیلان دبیرستانی روزافزونی باشند که نمی‌توانستند به دانشگاه راه یابند (مناشری، ۱۳۹۷: ۲۶۲).

بدیهی است مهم‌ترین وظیفه و مسئولیت سپاه دانش تعلیم و تربیت بود ولی آن‌ها سه وظیفه اصلی تعریف شده بود:

- الف. با سواد کردن عموم مردم ده، کودک، جوان، سالمندان، زن و مرد.
- ب. آماده کردن مردم ده به منظور قبول ایجاد تغییرات مطلوب و مفید در زمینه زندگانی معنوی و مادی ده.
- ج. استفاده از امکانات متخصصین و توانمندساختن نیروهای اداری و مأموران سازمان‌های دیگر از قبیل بخش کشاورزی، عمران و بهداشت به منظور اجرای برنامه‌های اصلاحی در ده.

از نظر متولیان امر، سپاهیان دانش در امور آموزشی روستا نقش یک رهبر و مجری داشتند؛ ولیکن در کارهای اصلاحی، اقتصادی و فنی نقش یک واسطه و رابط را ایفا می‌کردند (ساکما، ۱۱۵۵۴۷/۰۲/۲۹۷). در امور بهداشت نیز سپاهیان بهداشت و در امور کشاورزی نیز سپاهیان ترویج و آبادانی نیز در کنار سپاه دانش به فعالیت پرداختند. در این راستا سپاهیان بهداشت به معالجه بیماری‌ها، ریشه کنی بیماری‌های واگیردار و ایجاد کانال‌های آب رسانی و سپاهیان ترویج و آبادانی نیز به آموزش فنون جدید کشاورزی به روستائیان در زمینه کاشت، برداشت، آبیاری و مبارزه با آفات می‌پرداختند. (پهلوی، ۱۳۷۲: ۱۹۴-۱۹۳)

یکی از راهبردهای حکومت وقت، توسعه تعلیم و تربیت برای توسعه اقتصادی و بهبود وضع زندگانی بود که تحقق این مهم در روستاها به عهده سپاهیان دانش گذاشته شده بود (ساکما، ۱۱۹۸۸۵/۱۳/۲۹۳). سپاهیان دانش می‌بایست با استفاده از همکاری مردم و اداره آموزش و پرورش، و از هر طریق ممکن دبستان روستا را تشکیل و مستقر سازند. آن‌ها همچنین موظف بودند اقدامات زیر را در زمینه آموزش و پرورش ساکنان روستا انجام دهند:

«ایجاد یک ساختمان مناسب برای دبستان دهکده. همچنین اگر تهیه میز و نیمکت از محل اعتبارات اداری و یا کمک مردم میسر نبود وظیفه داشتند سکوهایی از گل و خشت یا سنگ، یا چهار پایه‌هایی یا هر وسیله دیگر به طور موقت در شروع کار کلاس تهیه بنمایند (ساکما، ۱۱۵۵۴۷/۰۲/۲۹۷).

و از جمله دیگر وظایف سپاهیان به شرح زیر بود:

- تشکیل کلاس درس برای نوآموزان خردسال دهکده در طول ساعات روز.
- تشکیل کلاس درس برای جوانان و سالمندان دهکده در بعدازظهرها یا شب‌ها
- تشکیل جلسات بحث و گفتگو درباره مسائل مختلف اجتماعی، روابط خانوادگی، بهداشتی، عمران و آبادانی و ...
- تقویت مبانی ملی و اخلاقی مردم روستا از راه بحث و گفتگو در جلسات.
- بالا بردن سطح اطلاعات مردم روستا از لحاظ رفتارها و مقررات و قوانین اجتماعی و مدنی و ...
- تشکیل مکتب پیشاهنگی روستائی از راه تعلیم منش‌ها و تعالیم این مکتب اخلاقی و اجتماعی

- تشکیل یک کتابخانه و قرائت‌خانه در مدرسه ده و جمع‌آوری کتب و نشریات ساده و درخور فهم نوسودان
 - برگزاری جشن‌ها و اعیاد ملی در محیط دبستان و مراکز اجتماعات روستا و آشناکردن آن‌ها به ریشه برگزاری این مراسم‌ها
 - تربیت و تنظیم برنامه‌های تربیت بدنی، زمین‌های ورزش و بازی‌های گروهی». (ساکما، ۳/۲۹۷/۰۱۵۵۴۷)
- دبستان‌های روستایی با حداقل ۲۰ نفر دانش‌آموز تشکیل می‌شد. برای تأمین سپاهی دانش روستا، برای هر ۲۰ تا ۴۰ نفر دانش‌آموز یک سپاهی دانش در نظر گرفته بودند و در دبستان‌های بیش از ۸۰ نفر به ازای هر ۲۵ نفر یک سپاهی دانش افزوده می‌شد، سپاهیان دانش در آغاز خود به ساخت نزدیک به ۱۰۷۰۰ مدرسه و تعمیر ۷۲۰۰ مدرسه پرداختند. (پهلوی، ۱۳۷۲: ۱۹۲) بر اساس اسناد موجود می‌بایست حتی الامکان با آموزگاران غیر سپاهی در یک دبستان مشغول به کار می‌شدند (ساکما، ۲/۲۹۳/۰۰۶۹۴۹). این موضوع در انتقال تجربیات آموزشی و فرهنگی بین آموزگاران سپاه دانش و آزاد تأثیرگذار بوده است.
- افسران سپاهی به موجب قانون هدف استفاده از مشمولان لیسانسه و بالاتر در سپاه دانش، راهنمایی و نظارت برکار سپاهیان دانش را انجام می‌دهند (ساکما، ۱۳/۲۹۷/۰۴۹۵۸۵). برای هر ده نفر سپاهی یک نفر راهنما تعیین می‌شد. که قبلاً در تهران تعلیمات لازم را دیده بود. سپس به استان و شهرستان خود مراجعت می‌کردند. این افراد از روز بیستم فروردین‌ماه باید به دهاتی که تحت راهنمایی آنان قرار داشت، مسافرت می‌کردند و امر ثبت نام را انجام می‌دادند (ساکما، ۶۰/۲۹۳/۱۱۹۸۸۵). راهنمایی‌تعلیماتی کسانی بودند که سپاهیان دانش و آموزگاران مدیران دبستان‌های روستاها را در انجام وظایف آموزشی وظایف دیگری که برعهده آنان بود، یاری و مددکاری می‌کردند. حداقل نمره این تعلیم و تربیت باید چنان می‌بود که روستائیان بتوانند از طریق خودیاری تغییرات اساسی در زندگی بدهند و اجتماع سالمی به وجود آورند (ساکما، ۳/۲۹۷/۰۴۰۵۸۵).

سپاه دانش در چهارمحال و بختیاری

استان چهارمحال و بختیاری با مساحتی حدود ۱۶۵۳۳ کیلومتر مربع با گستره‌ای حدود ۱٪ خاک کشور ایران در زاگرس میانی بین استان‌های اصفهان، خوزستان، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد واقع است. (فتاحی، ۱۳۸۳: ۱۹). در سال ۱۳۵۲ ش به موجب مصوبه هیأت وزیران، فرمانداری کل بختیاری و چهارمحال هم‌زمان با پنج فرمانداری کل دیگر به استانداری تبدیل و عنوان قبلی آن به چهارمحال و بختیاری تغییر نام یافت و رسماً استان کنونی چهارمحال و بختیاری که در ابتدا دارای دو شهرستان و هفت بخش و شش شهر بود تشکیل گردید؛ اما در حال حاضر این استان دارای ۱۰ شهرستان است.

تا قبل از سال ۱۲۸۳ شمسی در سراسر چهار محال و بختیاری مدرسه‌ای وجود نداشت و تحصیل و تربیت اطفال متکی به وجود مکتب داران و معلمین مکاتب آن زمان بود که به همان روش و طریق مخصوص دیرین تعلیم می‌دادند (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷: ۵۲۱-۵۲۲). اولین دبستان ملی بختیاری در ۱۲۸۳ ش تأسیس شد. تشکیل مدارس ابتدایی در سال‌های بعد رونق بیشتری گرفت تا اینکه در تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۱ ش نخست‌وزیر اسدالله علم، طی دستوری خواهان تمهید مقدمات جهت تأسیس دبستان و سکونت سپاهیان دانش در روستاهای محل اعزام سپاهی شد (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۶۰).

گروه اول که دوره آموزش چهارماهه را در آخر فروردین ماه به پایان رسانده بودند به تعدادی از روستاهای استان اعزام شدند و عملاً به خدمت آموزگاری پرداختند (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۲۶). اسناد نشان می‌دهد نخست وزیر به طور مداوم دستور همکاری با این نهاد تازه تأسیس را صادر می‌کرد و اغلب دستگاه‌ها و ادارات را به همکاری با سپاه دانش فرا می‌خواند (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۳۱). سهمیه مناطق از گروه اول سپاه دانش از طرف اداره کل فرهنگ چهارمحال و بختیاری به شرح زیر تعیین شد:

الف، در بخش حومه و میزدج از شهرستان شهرکرد ۲۰ قریه.

ب، در بخش‌های گندمان (حومه بروجن) اردل و لردگان تابعه شهرستان بروجن ۳۰ قریه (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۵۰).

در همان سال ۱۳۴۲ ش نخست وزیر در ارتباط با همکاری نهادهای مربوطه با نیروهای سپاه دانش اعلام کرد:

«مأموران ژاندارمری طبق دستورالعملی که از طرف اداره کل ژاندارمری ابلاغ خواهد شد

باید همکاری لازم در رساندن افراد به محل خدمت همچنین برای آماده کردن اهالی و

مقدمات امر همکاری لازم را با ادارات فرهنگ داشته باشند» (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۳۲).

نهاد سپاه دانش معمولاً هنگام استقرار سپاهیان به علت فقدان یا کمبود امکانات از جمله مکان آموزشی، محل خواب سپاهی، میز، نیمکت و نوشت افزار، وسیله نقلیه با مشکل مواجه بود حتی در این ارتباط ابلاغیه‌هایی از این دست نیز دیده می‌شود که از سوی آموزش و پرورش منطقه صادر می‌شد:

«سپاهی دانش باید به روستاهایی اعزام شود که دبستان و وسایل آموزشی آن مهیا شده

باشد، فرستادن سپاهیان به روستاهای بدون امکانات را صحیح نمی‌دانستند» (ساکما،

۱۹۸۵/۲۹۳/۵۱).

در چنین هنگامه‌هایی با تشکیل شورای هماهنگی و همکاری دستگاه‌ها و نهادهای زیربند و با کمک کدخدا و انجمن ده مشکلات را حل می‌کردند. در ارتباط با حل مشکلات نیروهای سپاه دانش در جلسه شورای هماهنگی سپاه دانش چندین خودرو از ادارات برای انتقال سپاهیان از مرکز استان به روستاهای محل خدمت در نظر گرفته شد و تمهیدات لازم برای خرید میز و نیمکت و بخاری اتخاذ گردید (ساکما، ۱۹۸۵/۲۹۳/۲۵۲). در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۳۰ فرماندار کل طی نامه‌ای از آموزش و پرورش منطقه درخواست کرد با در نظر گرفتن روستاهای فاقد

دبستان سهمیه واقعی سپاه دانش دوره شانزدهم را اعلام کند (ساکما، ۹۴/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹). کمبود راهنمای تعلیماتی، یکی از مشکلات عمده چهارمحال و بختیاری بود که در نامه‌های اداره کل آموزش و پرورش به نهاد سپاه دانش اشاره شده است (ساکما، ۴۳/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹). نهاد سپاه دانش سهمیه راهنمای تعلیماتی را بر اساس شرایط مناسب و هموار جغرافیایی تنظیم کرده بود. این سهمیه در منطقه کوهستانی و سخت‌گذر و پراکندگی روستاهای این منطقه جوابگو نبود (ساکما، ۴۷/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹). این مسئله عملاً برنامه سپاه دانش را با اجرای آموزش همگانی با اختلال مواجه می‌ساخت. رئیس اداره کل آموزش و پرورش پس از شرح وضع اقلیمی منطقه اظهار داشتند سپاهیان دانش در منطقه چهارمحال و بختیاری در جهت باسواد کردن نوآموزان و عمران دهات تلاش شایان توجهی از خود نشان می‌دهند؛ ولی به جهت پیشرفت برنامه‌های سپاه دانش لازم است که تعداد راهنمایان تعلیماتی به ازای هر پانزده نفر سپاهی دانش یک نفر تعیین گردد که با این کیفیت در شهرکرد به ۴ نفر راهنمای تعلیماتی نیاز هست که اخیراً از طرف اداره کل آموزش ۳ نفر انتخاب گردیده است (ساکما، ۰۰۴/۲۹۳/۱۱۹۸۸۵).

ساختار و تشکیلات سپاه دانش

سال ۱۳۴۲ش با حضور سپاهیان دانش دبستان ۲۰ روستا در شهرستان شهرکرد و ۳۰ روستا در بروجن گشایش یافت، این نخستین فعالیت جدی نهاد سپاه دانش در منطقه بود (ساکما، ۵۵/۲۹۳/۱۱۹۸۸۵). براساس آمار مندرج در نشریه آمار فرهنگ ایران، دبستان‌های روستایی آن متأثر از اعزام سپاهیان دانش، افزایش چشم‌گیر یافته و به ۱۴۶ باب و نوآموزان آن به ۱۴۸۷۹ نفر رسیده است (نشریه آمار فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ش: ۸). آمار ارائه شده حاکی از آن است که اجرایی شدن طرح سپاه دانش در استان چهارمحال و بختیاری با پشتیبانی و همکاری نهادهای مربوط با قوت انجام شده بود و زمینه گسترش سواد را فراهم کرده است (ساکما، ۱۸۳/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹). فرماندارکل چهارمحال و بختیاری به اداره کل آموزش و پرورش اعلام کرد از محل سپاه دانش دوره چهاردهم ۱۵۰ نفر سپاهی به شهرستان بروجن به جهت جمعیت اختصاص داده شود (ساکما، ۱۷۱/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹). سالنامه‌های آماری فرهنگ ایران (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰ ش) نشان می‌دهد که سپاه دانش از نظر کیفیت و توسعه آموزشی توفیق شایان توجه داشته است. دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل از دبستان‌های سپاه دانش، نسبت به میانگین کل کشور جمعیت مناسبی بوده است (سالنامه آماری فرهنگ ایران، ۱۳۵۲: ۸۱). براساس این آمار سال تحصیلی ۴۷-۴۸ تعداد ۲۹۱۳ نوآموز نزد ۷۰ نفر سپاهی دانش در ۵۷ دبستان سپاه دانش، مشغول به تحصیل بودند و همان سال ۳۴ کلاس آموزشی بزرگسال توسط سپاهیان دانش دایر گردید این آمار تأییدی بر رشد کمی آموزش نوآموزان و بزرگسالان در روستاهای استان است. با این وجود همچنین آمار نشان می‌دهد ۲۱٪ دانش‌آموزان واجب‌التعلیم شانس رفتن به دبستان را یافته‌اند و ۲۶٪ روستاهای این شهرستان از دبستان بی‌نصیب ماندند (ساکما، ۱۷۳/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹).

تعداد سپاهیان دانش و دانش‌آموزان و دبستان‌های سپاه دانش در سال‌های تحصیلی مختلف^۱

تعداد سپاهیان دانش	تعداد کلاس‌های بزرگس			تعداد نوآموزان خرد			تعداد کلاس‌های خرد			تعداد دبستان سپاه دانش	سال تحصیلی
	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	پسر	دختر	جمع		
۲۵۷	۱۸۳	۲۵۵	۲	۱۸۳	۲۵۵	۲	۱۸۳	۲۵۵	۲	۵۴	۴۲-۴۳
۶۱۸۱	۱۸۳	۲۲۲	۲	۶۱۸۱	۲۲۲	۲	۱۸۳	۲۲۲	۲	۱۰۲	۴۳-۴۴
۴۳۱	۱۰۲	۳۳۸۵	۲۲۲	۴۳۱	۳۳۸۵	۲۲۲	۱۰۲	۳۳۸۵	۲۲۲	۱۹۴	۴۴-۴۵
۵۷۵۰	۶۷۵	۲۷۱۴	۲۷۱۴	۵۷۵۰	۲۷۱۴	۲۷۱۴	۶۷۵	۲۷۱۴	۲۷۱۴	۱۹۴	۴۵-۴۶
۸۹۹۸	۶۷۵	۹۸۵۹	۹۸۵۹	۸۹۹۸	۹۸۵۹	۹۸۵۹	۶۷۵	۹۸۵۹	۹۸۵۹	۱۹۴	۴۶-۴۷
۹۸۳	۶۷۵	۱۱۰۶	۱۱۰۶	۹۸۳	۱۱۰۶	۱۱۰۶	۶۷۵	۱۱۰۶	۱۱۰۶	۱۹۴	۴۷-۴۸
۸۰۱۵	۶۷۵	۸۷۵۳	۸۷۵۳	۸۰۱۵	۸۷۵۳	۸۷۵۳	۶۷۵	۸۷۵۳	۸۷۵۳	۱۹۴	۴۸-۴۹
۲۵۵	۱۰۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۵۵	۲۲۲	۲۲۲	۱۰۲	۲۲۲	۲۲۲	۱۹۴	۴۹-۵۰
۲۳۹	۱۰۲	۲۰۷	۲۰۷	۲۳۹	۲۰۷	۲۰۷	۱۰۲	۲۰۷	۲۰۷	۱۹۴	
۱۶	۱۰۲	۱۵	۱۵	۱۶	۱۵	۱۵	۱۰۲	۱۵	۱۵	۱۹۴	
۲۲۰	۱۰۲	۱۷۲	۱۷۲	۲۲۰	۱۷۲	۱۷۲	۱۰۲	۱۷۲	۱۷۲	۱۹۴	
۴۹-۵۰	۱۰۲	۴۸-۴۹	۴۸-۴۹	۴۹-۵۰	۴۸-۴۹	۴۸-۴۹	۱۰۲	۴۸-۴۹	۴۸-۴۹	۱۹۴	

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۱

در این جدول تعداد سپاه دانش و تعداد دبستان‌ها سیر منظم رشد را طی می‌کند؛ در زمینه آموزش بزرگسالان رشد قابل توجهی را به ویژه در سال‌های پایانی شاهد هستیم که حکایت از آن دارد که عملکرد نیروهای سپاه دانش تا حد زیادی در جلب و اعتماد سازی در میان مردم جامعه روستایی و عشایری مثبت و ارزنده بوده است.

^۱ مأخوذ از سالنامه‌های آماری فرهنگ (۱۳۵۰-۱۳۴۲)

در زمینه تعداد نوآموزان نیز رشد کمی قابل توجه است که از پیامدهای آموزش همگانی توسط نیروهای سپاه دانش است.

تعداد دبستان‌ها و دانش آموزان سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۰^۱

آمار آموزشگاه‌های استان از سال ۵۱ تا ۵۷								
سال	تعداد آموزشگاه		تعداد کلاس		تعداد دانش آموز		تعداد کارکنان	
	عادی	سپاه دانش	عادی	سپاه دانش	عادی	سپاه دانش	عادی	سپاه دانش
۵۰ - ۵۱	۱۵۵	۲۱۴	۶۱۴	۲۸۸	۲۶۵۱۲	۱۰۵۱۹	۶۳۷	۳۰۰
۵۱ - ۵۲	۱۵۸	۲۲۲	۶۶۲	۳۴۱	۲۷۶۷۲	۱۱۹۱۹	۶۸۲	۳۴۵
۵۲ - ۵۳	۲۰۹	۲۱۱	۷۷۱	۲۹۱	۲۰۹۲۶	۸۹۵۷	۶۸۲	۳۴۰
۵۳ - ۵۴	۲۲۰	۲۰۶	۸۸۰	۲۸۹	۳۶۷۵۱	۱۱۰۸۰	۱۰۲۸	۲۹۲
۵۴ - ۵۵	۲۵۷	۲۰۰	۱۰۹۸	۲۷۳	۴۲۴۲۱	۱۰۶۴۶	۱۲۵۸	۲۸۳
۵۵ - ۵۶	۲۷۲	۲۰۰	۱۲۵۱	۲۸۳	۴۶۶۴۸	۱۱۲۵۰	۱۴۸۲	۲۹۰
۵۶ - ۵۷	۲۱۰	۲۰۸	۱۴۱۲	۳۲۹	۵۰۸۵۷	۱۱۳۱۶	۱۷۱۱	۳۳۰

با نگاه به آمار بالا در می‌یابیم مدارس عادی به لحاظ کمی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ ش رشد داشته و دبستان‌های سپاه دانش نیز در دو سال نخست دهه ۵۰ روند افزایشی داشته است؛ اما در سال سوم این دهه، تعداد آن‌ها کاهش یافته است. سال ۱۳۵۴-۱۳۵۳ ش شمار آموزگاران عادی به شکل قابل توجهی افزایش یافت. همین امر موجب تغییر در روند اعزام سپاهی دانش به استان و نوسان کاهشی- افزایشی اندک تا پایان ۱۳۵۷ شد.

سپاهیان دانش به جهت ارتباط عاطفی که با مردم برقرار می‌کردند و همچنین محرومیت موجود در منطقه تلاش می‌کردند تا مردم را در حد توان با مسائل بهداشتی آگاه کنند. آنها متناسب با اطلاعات بهداشتی و آموزشی خود به امور بهداشتی روستا می‌پرداختند که این همکاری شامل ریشه‌کنی مالاریا، بهداشت دهان و دندان، تأمین دارو و درمان دانش‌آموزان، واکسیناسیون و کارهای بهداشتی روستا بود (ساکما، ۲۹/۲۹۳/۱۱۹۸۸۵). هرچند بخش عمده این وظایف بر عهده بهداشت بود؛ ولیکن همکاری مستمر میان نیروهای سپاهیان دانش و بهداشت استان برقرار بود (ساکما، ۲۹۳/۱۲۰۰۳۹؛ ۶۱/۲۹۳/۱۱۹۸۸۵) سازمان بهداشت موظف به همکاری با سپاهیان بود و سپاهیان دانش نیز مأموریت داشتند در خصوص بهداشت روستا همکاری لازم را بنمایند (ر.ک: ساکما، ۲۹۳/۱۱۹۸۸۵).

در سال ۱۳۴۳ ش در بخش کوهستانی و عشایری اردل ۱۲ نفر از سپاهیان دانش مشغول خدمت بودند. چون مرکز بخش از کار این سپاهیان بی خبر بود؛ آنان بدون همکاری و مشورت با متصدیان وقت کارهای خود را انجام می‌دادند. به طور مثال:

- نصب تابلو در روستاها و تابلوهای دیگر مبنی بر وجود شرکت تعاونی، سپاهی دانش، حوزه عمرانی
 - نصب تعدادی صندوق پست در دهاتی که سپاهی وجود داشت
 - تلاش برای ثبت ازدواج‌ها و طلاق‌ها به طور رسمی
 - هماهنگی با دامپزشک برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های دامی
 - معرفی بیماران به مراکز بهداشتی جهت جلوگیری از شیوع بیماری
 - تهیه دارو و کمک‌های اولیه برای مدارس سپاهی دانش و درمانگاه و ... (ساکما، ۲۹۳/۱۲۰۰۳۳).
- در سال ۱۳۴۹ ش طی جلسه شورای هماهنگی سپاه دانش با حضور مدیرکل آموزش و پرورش و روساء اداره-های کل و دستگاه‌های ذیربط، اعلام شد به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، ۲۵۰۰ باب دبستان ساخته می‌شود. در این نامه و سایر اسناد سهم فرمانداری چهارمحال و بختیاری مشخص نشده است؛ اما با توجه به افزایش فعالیت‌های عمرانی و ایجاد، تکمیل و مرمت دبستان‌های این منطقه، استان از بودجه قابل توجهی برخوردار گردیده است. مصوبه همین شورا در بند دوم اعلام می‌کند که کلاس‌های درسی به صورت نیمه‌روز برگزار شوند و بقیه وقت سپاهیان صرف امور عمرانی شود. همچنین در بند ۴ این نشست آمده، سپاهیان دانش در تابستان نسبت به بهداشتی کردن محیط روستا از قبیل چشمه، چاه آب و معابر اقدام کنند. بند ۵ مصوبه وظیفه سپاهیان را در همکاری لازم برای شن‌ریزی جاده، ساختن حمام و لوله کشی آب روستا معین کرده است (ساکما، ۵۴/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹).

سپاه دانش و آموزش بزرگسالان

شروع نهضت مبارزه با بی‌سوادی بزرگسالان از اوایل پهلوی اول در کشور شروع شد؛ ولی په سبب شروع جنگ و گسترش آشفتگی داخلی ناتمام مانده و مجدداً در ۶ بهمن ۱۳۴۱ با تصویب لایحه سپاه دانش احیا شد و آموزش روستائین بزرگسال بر عهده سپاهیان دانش محول شد. در دوره ریاست دوم فتحعلی پورپرویز (۱۳۴۳-۱۳۴۰) کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی افزایش یافت. هدف اصلی، آموختن خواندن، نوشتن و حساب به افراد بزرگسال- از بین ۱۲ تا ۳۵ سال- و همچنین کسانی بود که به عللی نتوانسته بودند در مدارس عادی به تحصیل ادامه دهند (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۱۳۰۹). آموزش افراد بی‌سوادی بر عهده سه اداره بود. ادارات تعلیمات ابتدایی، اداره مبارزه با بی‌سوادی و سازمان سپاه دانش دبستان‌های روستایی (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۱۳۶۱۱). براساس گزارش‌های رسیده به مرکز در اکثر دبستان‌های سپاه دانش، کلاس پیکار با بی‌سوادی زن و مرد تشکیل گردید (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ساکما، ۱۸۲/۲۹۳/۱۲۰۰۳۹؛ ۴۵؛ ۲۲۹/۲۹۳/۱۱۹۳۰۶).

جامعه سنتی استان چهارمحال و بختیاری باورهای فرهنگی و قومی خود را داشت، فرزند از نظر فرهنگی در اختیار خانواده و ساختار قبیله‌ای بود، از طرفی به سپاهی دانش به عنوان یک عنصر فرهنگی متفاوت می‌نگریستند. تعصب آنان نسبت به دختران ویژه بود. این تفاوت در دوسویه خود، آثار خود را برجای می‌گذاشت. پذیرش دختران سپاهی یونیفرم پوش ابتدا برای آنان غریبه می‌نمود. (مصاحبه خدیجه رفیعی، ۱۳۹۶/۰۲/۲۵) از یک سو سپردن دختران به یک معلم زن برایشان پذیرفتنی‌تر بود از سوی دیگر این معلم دختر، آرایش و پوشاکی متفاوت داشت. اما با گذشت زمان پذیرش دختران سپاهی در روستا بیشتر از سپاهیان مرد شد؛ زیرا دختران سپاهی با زنان روستا صمیمی می‌شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۱۹۳۰۶). در فروردین ۱۳۴۸ ش اولین دسته سپاهیان دانش زن راهی روستاها شدند، این سال از پرثمرترین و نتیجه‌بخش‌ترین سال‌های فعالیت سپاه دانش در منطقه بود. (ساکما، ۱۵/۲۹۷/۰۲۵۰۹۱) هدف‌های آن‌ها بدین شرح بود:

۱. هدف آموزشی: باسواد کردن روستائیان بویژه زنان و دختران. زنان سپاه دانش ضمن آموزش به دختران در مدرسه فعالیت خود را محدود به آنها نمی‌کردند؛ بلکه مادران آنها نیز به صورت غیررسمی در منازل مورد مورد آموزش قرار می‌گرفتند (مصاحبه، پروین کرم زاده، ۱۳۹۸/۶/۱۳ ش).

۲. هدف اجتماعی: بالابردن سطح اطلاعات و آگاهی اجتماعی روستائیان

۳. هدف بهداشتی: بالابردن سطح بهداشت مردم

سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۴۹ ش دبستان سپاه دانش دختر نیز در استان چهارمحال و بختیاری تشکیل شد (سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۰:۸۱). سپاهیان دانش دختر دوره اول، ۱۸۹۱ نفر و در دوره دوم ۸۲۰ نفر و در دوره سوم ۹۶۷ نفر بودند که به روستاها فرستاده شدند (ساکما، ۲۵۰۹۵/۰ ۲۹۷/۰). آن‌ها مانند همکاران مرد خود مجبور به فراهم آوردن مقدماتی برای جذب دختران به شرکت در کلاس‌ها بودند. باید اعتماد والدین دختران را جلب می‌کردند و این امر جز با دوستی بی‌ریا و شرکت در مراسم مذهبی و احترام به آداب و رسوم آن‌ها بدست نمی‌آمد (رحمانی، ۱۳۵۴:۹۳). روش دیگر وجود حس رقابت و چشم و هم چشمی در بین خانواده‌های روستایی بود که موجب می‌شد برخی خانواده‌ها راضی به فرستادن دخترانشان به مدرسه می‌شدند (رحمانی، ۱۳۵۴:۳۱۲).

تعاملات اجتماعی سپاه دانش

افزون بر آموزش و سوادآموزی که موجب آثار فرهنگی و ایجاد روحیه دانش‌پذیری، اعتقاد به علم و دانش، و کاهش دامنه تأثیر خرافات در روستائیان بود. از دیگر تأثیرات فرهنگی سپاهیان دانش در روستاها می‌توان به ایجاد حس مطالبه‌گری و تقویت روحیه خودباوری در مردم روستا اشاره کرد. سپاهیان دانش راهنمای مردم در طرح مشکلات می‌شدند و حتی نامه‌های روستائیان را خود می‌نوشتند و در پاره‌ای موارد خود به عنوان نماینده مردم به میدان می‌آمدند (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۵۰). در برخی مواقع نیز به پاس خدمات آموزشی و عمرانی که در روستاها توسط نیروهای سپاه دانش انجام می‌گرفت، توسط کدخدا، معتمدین و اهالی روستا این نیروها مورد

تجلیل قرار می‌گرفتند و همچنین به فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری جهت تشویق معرفی می‌شدند (مصاحبه با علی کبیریان، ۱۳۹۸/۰۶/۱۰؛ ساکما، ۲۹۳/۱۲۰۰۳۳).

جامعه سنتی در حفظ اعتقادات مقاومت می‌کرد همین موضوع بین سپاهی دانش و مردم مشکلاتی را پدید می‌آورد. سپاهیان دانش غیر شیعه موظف به آموزش دادن تعلیمات دینی شیعه بودند (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۱۹۵). آن‌ها گاه با روستاییان دچار اختلافات مذهبی در مناطق روستایی می‌شدند (ر.ک. ساکما، ۱۱۹۳۶-۲۹۳). به سپاهیان دانش تأکید می‌شد که با روحانیون روستاها در مسائل مذهبی دچار اختلاف نشوند و از هر گونه نزاع مذهبی که درگیری مذهبی منجر شود، خودداری کنند و حتی در رفع اختلافات باید تلاش کنند (رحمانی، ۱۳۵۴: ۱۰۴-۱۰۱). در برخی موارد نیروهای سپاه دانش به مانند نیروهای حکومتی در اذهان مردم و به ویژه روحانیون روستا جلوه می‌کردند و این امر سبب می‌شد که تبلیغات سوء بر ضد فعالیت‌های سپاه دانش صورت بگیرد. در مقابل سپاهیان دانش ضمن توجه به امور آموزشی به ترویج مسائل دینی به ویژه آموزش قرآن می‌پرداختند و یا تفکیک جنسیتی را در کلاس‌ها اجرا می‌کردند تا تبلیغات منفی علیه آنها تعدیل و خنثی شود (Sabahi, 2001: 18)

معضلات سپاهیان دانش

از جمله مشکلات سپاهیان دانش دوری از خانواده، مشکلات آموزشی، فرهنگی، رفاهی، معیشتی، مذهبی، اخلاقی، قضایی و حقوقی و مسائل مربوط به حمل و نقل سپاه دانش و بدی آب و هوا را می‌توان نام برد. (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۳۳). گاهی برخورد بین سپاهی دانش و اهالی محل آنقدر شدید بود که به زد و خورد منجر می‌شد (ر.ک. ساکما، ۲۷۹/۲۹۳/۱۱۹۷۳۶). لباس نظامی، تعلیمات نظامی، و جایگاهی که برای سپاهیان دانش تعریف شده بود نوعی خلق و خوی نظامی در آن‌ها پدید آورده بود، همین امر باعث می‌شد در بسیاری موارد آمرانه و از جایگاه نماینده حاکمیت با مردم استان رفتار کنند از طرفی همه آنان جوان و اغلب مجرد بودند همین ویژگی به اضافه نیازهای جنسی، در برخی از آن‌ها خروج از هنجارهای اخلاقی را سبب می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۱۹۳۰۶).

چندپایه بودن دبستان، تفاوت زبانی با دانش‌آموزان، فقدان مکان آموزشی مناسب، حضور دانش‌آموزان به عنوان نیروی کار در کنار اولیاء، کمبود و نبود برخی از ابزار آموزشی و وسایل کمک آموزشی از جمله مشکلات آموزشی سپاهیان دانش در استان بوده است. از بررسی اسناد چنین بر می‌آید که شماری از سپاهیان به علت نداشتن صلاحیت آموزشی پس از پایان خدمت، شرایط جذب در آموزش و پرورش را نداشته‌اند (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۵۹).

اسناد متعددی حکایت از مشقات سپاهیان در مناطق روستایی به خاطر حقوق اندک، شرایط سخت اقلیمی و کیفیت پایین جاده‌ها وجود دارد. عدم وجود وسایل گرمایشی و سرمایشی و برق نیز مزید بر علت بود. در صورت بیماری فرد سپاه دانش و با توجه به صعب‌العبور بودن روستا بروز حادثه جدی‌تر می‌شد. در چنین

مواردی جایجایی سپاهی برای دسترسی به پزشک در نظر گرفته می‌شد (ساکما، ۹۷/۲۹۷/۱۹۵). با در نظر گرفتن این نکته که اغلب سپاهیان از مناطق و استان‌های دیگر می‌آمدند، حقوق اندک، نداشتن دسترسی روزانه به برخی مایحتاج، ارزاق و وسایل زندگی، تهیه و ذخیره سازی کالاهای خوراکی برای مدت زیاد را نیز دچار مشکل می‌کرد. به رغم حمایت مردم از سپاهیان و اهدای محصولات بومی روستا و مناطق عشایری همچون شیر، ماست، کره، تخم مرغ و تهیه نان باز هم آنها در مضیقه بودند (ساکما، ۲۹۷/۰۵۳۱۶). در سال ۱۳۵۴ش براساس لایحه جدید حقوق و مزایای پرسنل نیروهای مسلح و حقوق سپاهیان دانش تغییر کرد. حقوق سپاهیان دانش در این سال شامل حق مسکن و حقوق بود و کسورات آنها فقط شامل بیمه بوده است (ساکما ۹۱/۲۹۷/۱۴۶۷). این موضوع مقداری وضعیت درآمد سپاهیان دانش را نسبت به قبل مطلوب کرد.

از دیگر مشکلات مهم سپاهیان، حمل و نقل بود، همین موضوع در بسیاری از روستاها موجب سازندگی برای منطقه می‌شد؛ چرا که اکثر سپاهیان در جهت رفاه خویش برای ایجاد و هموارسازی راه‌ها اهتمام جدی می‌نمودند. آنها می‌بایست تجهیزات آموزشی و تغذیه دانش‌آموزان را با همکاری اهالی روستا در زمان مناسب به محل کار خود انتقال دهند (ساکما، ۲۹۷/۰۱۱۹۰۴). عدم امکانات در رفت و آمد و وسایل لازم جهت استراحت، تغذیه و مسدود شدن راه‌ها در بعضی مناطق از جمله معضلات در این زمینه بود. در برخی موارد نیز سپاهیان مدت ۱۱ الی ۱۲ روز مجبورند در شهر بمانند تا وسیله جهت برگشت فراهم کنند (ساکما، ۲۹۳/۱۲۰۰۳۹).

اگرچه وزارت فرهنگ، متولی نهاد سپاه دانش بود مسئولیت نهایی این نهاد برعهده نظامیان بود. مسئولیت اداره سپاه دانش را که درباره آن بسیار تبلیغ شده بود را به افسران عالی‌رتبه واگذار می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۳۶). همین موضوع و همچنین آموزش و لباس نظامی و حمایتی که سپاهیان دانش از جانب نظامیان می‌یافتند و نیز برای اینکه در برابر روستاییان خود را مقتدر جلوه دهند موجب می‌شد برخی از سپاهیان دانش خلق و خوی نظامی و آمرانه بیابند. این رفتار گاه بین آنان و روستاییان فاصله ایجاد می‌کرد و برای خود آنها و مردم روستا دردسر می‌شد و نوعی انزوا را بر سپاهیان تحمیل می‌کرد.

در دهه ۴۰ شمسی، شماری از دولتمردان فرهنگی برای رویارویی با بحران جهل و بی‌سوادی تلاش دامنه‌داری کردند. درک آنان از بحران یادشده موجب چاره‌اندیشی شد و با ابتکار طرح سپاه دانش در پی فائق آمدن بر این بحران بودند. تلاش آنان موجب استقرار نهاد سپاه دانش در سال ۱۳۴۲ش در کشور و به تبع آن در چهارمحال و بختیاری شد. محصول آنان یعنی نهاد سپاه دانش با حضور اکثریت سپاهیان در این استان، به طور نسبی درک وظیفه‌مند و تقریباً آگاهانه‌ای از بحران بی‌سوادی و ضرورت رفع آن داشتند. این عده بر اساس وظیفه و در حد تکلیف همچون سایر مناطق کشور، در استان چهارمحال و بختیاری انجام وظیفه کردند.

در استان چهارمحال و بختیاری به جهت وجود محرومیت نسبی و بافت روستایی-عشایری در منطقه مزایا و در عین حال چالش‌ها و معضلات سپاه دانش نسبت به سایر مناطق ملموس تر بود. نیروهای سپاه دانش در این منطقه به لحاظ خصلت‌های انسانی، جذابیت‌های منطقه‌ای و متأثر از زندگی ساده روستایی-عشایری، فراتر از وظیفه کوشش کرده‌اند و در ابعاد فرهنگی، عمرانی، بهداشتی و اجتماعی آثار نیکویی از خود بر جای گذاشتند. از منظر آماری نیز در سال ۱۳۴۲ در نخستین گام، ۵۰ دبستان سپاهی دانش در دو شهرستان استان یعنی بروجن و شهرکرد ایجاد شد و متأثر از عملکرد نهاد سپاه دانش، ۵۰ روستا برای نخستین بار دارای دبستان شد. در سال ۱۳۵۰ جمعاً ۱۳۸ نفر سپاهی دانش به سه شهرستان استان اعزام و دبستان‌های جدید را بنیاد نهادند. نتیجه حضور سپاهیان دانش تا این سال، وجود ۶۱ دبستان و آموزش ۲۶۷۶ دانش‌آموز در شهرستان بروجن، ۲۵ دبستان و آموزش ۱۵۴۱ دانش‌آموز در شهرستان شهرکرد و ۲ دبستان و آموزش ۲۴۵ دانش‌آموز در شهرستان میزدج است. در طرف مقابل فعالیت سپاه دانش در مناطق روستایی و عشایری استان چهارمحال و بختیاری به سهولت صورت نمی‌گرفت. در ابتدا به جهت عدم همخوانی زبانی میان نیروهای سپاهیان دانش و ساکنین محلی عملاً ارتباط و گفت و گو به سختی انجام می‌گرفت. همچنین به نیروهای سپاه دانش به دلیل پوشش لباس نظامی و برخورداری از روحیه نظامی‌گری ارتباط اجتماعی و عاطفی با مردم روستا به کندی صورت می‌گرفت. حضور نیروهای سپاه دانش در منطقه نیز به سادگی نبود. در اکثر روستاهای این منطقه راه ارتباطی هموار وجود نداشت و همچنین در خود آنها نیز امکانات زندگی معمولی و ساده به جهت وجود فقر و محرومیت وجود نداشت. دورافتادگی برخی از مناطق، طولانی بودن فصول سرما و در پی آن مسدود شدن راه‌های مواصلاتی محدود عملاً حضور نیروهای سپاه دانش که بومی منطقه نبودند را با مشکلات عاطفی از جمله دوری از خانه و خانواده مواجه می‌ساخت. با وجود این عملکرد سپاه دانش در استان چهارمحال و بختیاری با توجه به شرایط محیطی و وضعیت منطقه تأثیر مثبتی بر وضعیت آموزش و از بین بردن بی‌سوادی در میان جامعه برجا گذاشت.

منابع

اسناد منتشرشده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۹۳/۱۱۹۸۸۵؛ ۲۹۷/۰۲۵۰۹۰۱؛ ۲۹۷/۰۴۹۵۸۵؛ ۲۹۳/۱۲۰۰۳۹؛ ۹۷/۲۹۷/۱۸۶؛ ۲۹۳/۲۰۸۸۷؛ ۲۹۳/۱۱۹۸۸۵؛ ۲۹۳/۱۲۰۰۶۰؛ ۹۱/۲۹۷/۱۳۰۹؛ ۹۷/۲۹۷/۴۱؛ ۹۷/۲۹۷/۱۸۶؛ ۹۷/۲۹۷/۵۰؛ ۹۷/۲۹۷/۳۳؛ ۲۹۳/۱۲۰۰۳۹؛ ۲۹۳/۱۱۹۳۰۶؛ ۹۷/۲۹۷/۱۹۵؛ ۹۷/۲۹۷/۵۹؛ ۹۱/۲۹۷/۱۴۶۷؛ ۹۷/۲۹۷/۶۳؛ ۹۷/۲۹۷/۴۱.

کتاب‌ها

آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵)، *انقلاب سفید*، تهران: کتابخانه پهلوی.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *پاسخ به تاریخ*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: زریاب، چ ۳.

رحمانی، ابولقاسم (۱۳۵۴)، *انقلاب سفید در سیمای میهن (راهنمایی سپاهیان انقلاب)*، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.

صادقیه، ژاله (۱۳۵۴)، *پیشرفت‌های آموزش و پرورش در عصر پهلوی*، اصفهان.

فتاحی، قاسم (۱۳۸۳)، *چهارمحال و بختیاری در عهد افشاریه*، تهران: سامان دانش.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ ۵.

کدی، نیکی (۱۳۹۰)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم، چ ۲.

محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره (۱۹۹۳)، *تاریخ ادبیات کودکان ایران*، ج ۸، تهران: نشر چیست.

مناشری، دیوید (۱۳۹۷)، *نظام آموزشی و ساخت مدرن ایران*، ترجمه محمد حسن بادامچی و عرفان مصلح، تهران: سینا.

میلانی، عباس (۱۳۹۲)، *نگاهی به شاه*، تورنتو: پرشین سیرکل.

نیکزاد امیرحسینی، کریم (۱۳۵۷)، *شناخت سرزمین چهارمحال*، اصفهان: بی‌نا.

مقاله

اشرف، احمد (۱۳۸۳)، «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»، *فصلنامه متین*، ترجمه محمدسالار کسرای، ش ۲۲، صص ۱۴۱-۱۰۹.

نشریات

سالنامه آماری فرهنگ ایران ۱۳۴۲ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش

سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۳ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۴ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۵ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۶ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۷ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۸ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۴۹ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۰ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۱ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۲ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۳ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۴ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۵ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۶ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش
 سالنامه آماری آموزش و پرورش ۱۳۵۷ ه ش، انتشارات وزارت آموزش پرورش

مصاحبه‌ها

- مصاحبه با خانم پروین کرم زاده سپاهی دانش قریه کران در سال ۱۳۵۶ ش، در تاریخ ۹۸/۶/۱۳.
- مصاحبه با خانم خدیجه رفیعی، سپاهی دانش استان چهارمحال و بختیاری، در تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۵.
- مصاحبه با آقای سعید مردانی سپاهی دانش فارس در سال ۱۳۵۴ ش، در تاریخ ۹۸/۷/۱۲.
- مصاحبه آقای علی حسین نظری سپاهی دانش میانکوه، ۱۳۵۲ ش، در تاریخ ۹۸/۷/۱۲.
- مصاحبه با آقای علی کبیریان، سپاهی دانش و فرهنگی بازنشسته، ۱۳۹۸/۰۶/۱۰.

منابع لاتین

Sabahi, seyed farian, *The Literacy Corps In Pahlave Iran (1963-1979), Political, Social And Literary Implications*, 2001.